

دکتر جهانگیر اقبال ،
استاد یار گروه زبان و ادبیات فارسی ،
دانشگاه کشمیر ، سری نگر

محیط زبان و ادبیات فارسی در کشمیر

مملکت وسیع هند به ویژه دیار کشمیر از دیر باز گهواره علم و ادب بوده است و کدام شاعران و نویسندگان بزرگ نبوده اند که درین سرزمین پرورش نیافتند در پیشرفت زبان و ادبیات فارسی بذل سعی نموده اند. در هند و کشمیر به کمک و تشویق پادشاهان و امرای دربار شاه‌ی زبان و ادبیات فارسی آبیاری می شد. شاهان کشمیر به ویژه مغولان هند شاعران را چنان می نواختند که گاهی بربیک شعر پر نغزدهان شاعر از زروسیم پر می کردند و گاه او را در زر می سنجیدند. حتی شاعران فارسی زبان مانند عرفی و نظامی دربار تشویق و کمک با شایان شان سخن های گفته اند که نظیر آن نداریم. دربار دیار کشمیر نظامی گفته است.

یکی گفتا که در اقصای کشمیر نباشد در لطافت هیچ تقصیر
مقام خوب رویان آن زمین است بخوبی رشک فردوس برین است
عرفی درباره کشمیر گفته:

هر سوخته جانی که به کشمیر در آید

گر کباب است با بال و پر آید

کشمیر از ابتدای قرن یازدهم میلادی رو به وخامت گذارده بود و این وضع همچنین تا آغاز چهاردهم میلادی ادامه داشت پادشاهی که درین مدت سه قرن بر تخت فرمان روایی کشمیر نشستند باشمنای بعضی اشخاص جهان غیر مقتدر نالایق بودند در نتیجه این ناامنی و

اغتشاش زندگی مردم را کد شد. مهم ترین و خوفناک ترین حمله هجوم زولچو است که در سال ۷۲۴ هـ / ۱۳۲۵ م در زمان راجه سهد یو صورت گرفت. سهد یو از تخت شاه‌ی فرار کرده در کشتوار پناه برد و رنچین شاه بر سریر سلطنت متمکن شد در اواخر ۷۲۵ هـ سید شرف الدین وارد این دیار شد ند و رنچین از دست او مسلمان گردیده اولین کس شده که از شاهان مسلمان توان شمرد.

اینجا باید دانست که قبل از ورود اسلام و دنبال آن روابط فرهنگی بین سرزمین کشمیر و ایران و افغانستان و کشورهای دیگر آسیای میانه مستقیم بود و نه از راه هندوستان که در آن زمان تحت تسلط سلاطین تغلقیه بود. موضوع استحکام روابط بین کشمیر و کشورهای مختلف اسلامی بعد از ورود اسلام و ارای علل مختلف و متعددی باشد. یکی این که پیش رفت و توسطه دین مبین اسلام در کشمیر با فعالیت های مبلغین و درویشان و عرفای اسلام مانند بلبل شاه، امیر کبیر میر و پسرش محمد همدانی و رود یافت و زبان مادری شان فارسی بود پس علت بزرگ اثر نفوذ زبان فارسی همین است

بعد از چند سال در گذشت سلطان صدرالدین شهمیر که در دوره راجگان هنود از سوات وارد کشمیر شده بود. سلسله پادشاهان هنود را به پایان رسانیده موسس دولت سلاطین کشمیر شد. شاه میریان به علم و ادب علاقه فراوان داشتند و خود هم به زبان مادری یعنی فارسی شعر می سرودند. قطب الدین یکی از شاهان شاهمیری است که شعر زیر از طبع زاد اوست.

ای بگرد شمع رویت عالمی پروانه ای
وز لب شریں تو شورست در هر خانه ای
من بچندین آشنای میخورم خون جگر
آشنا را حال این است وای بر بیگانه ای

قطب مسکین گر گناهی میکند عیبش مکن
عیب نبود گر گناهی میکند دیوانه ای

علاوه از این سلاطین سلسله شاه میریه اولین کس بودند که زبان فارسی را بعنوان زبان رسمی این دیار آشنا کردند. یکی از سلاطین بی بدل و بی مانند سلاطین دین العابدین معروف به بدشاه در دیار کشمیر دارالترجمه تا سیس نمود که کتاب های مختلف سنسکرت و جز آن به فارسی برگردانیده شدند. درین دوره شاعران و نویسندگان مانند سید محمد خاوری، محمد امین مستغنی، ملا حسین قادری، ملا احمد، امیر کبیر سید علی همدانی، سید محمد همدانی، سید محمد بیهقی و سید علی زیستند. امیر کبیر که مبلغ بی بدل و مفکر عظیم است هم شاعر و نثر نویس اعلی مرتبت می بود. رسائل او در زبان عربی و فارسی هنوز در کتاب خانه ها مختلف هند و جهان مضبوط است یکی از رباعی وی که در زیر می آورم شعر گوئی وی را آشکارا خواهد کرد ملاحظه کنید:

زین جهان رفتیم و دل برداشتیم ما جهان را به جهانیان بگذاشتیم
ایمنی جستیم از دست اجل وادریغا ما غلط پنداشتیم - ۱

سلطان زین العابدین یکی از سلاطین بی بدل که ذکرش گزشت دوران مسافرت های خود به کشور مختلف آسیای میانه روابط دوستانه پیدا کرده بود به ویژه بی امیر تیمور روابط صمیمانه داشت بعد از وفات وی جمعی از ارباب صنایع مانند قالین باف صحاف و کاغذ گر به دیار کشمیر آورد الحق هیچ جنبه از حیات اهالی کشمیر بدون اثر نفوذ زبان و ثقافت فارسی نماند. در دوره شاه میریان بنای ادبیات مستحکم شده برای آیندگان راه تازه دریافت کرده است. دارالترجمه که از دست سلطان شاهی خان ملقب به ذین العابدین بدشاه بنا شده بود، شاعران و نویسندگان مانند مولوی کبیر، ملا احمد کشمیری، ملا پارسا،

ملا محمد، قاضی حمیدالدین، ملا نادری و ملا ضیای در مهد خود می
پرورد. مورخ اعظم خواجه محمد اعظم دیده مری درباره علما و فضایی
دربار بدشاهی می نویسد

”در عهد سلطان ذین العابدین و فضلاء و شعرای بسیار در کشمیر بودند
چه مرد ماز ولایت و چه متولد از این شهر، تمام لطافت چون کسی ضبط
نه کرد حالات شاه مسطور ماند“ - ۲

در همین دوره کتاب های مختلف به فارسی برگردانیده
شدند، صوفیان مثل شیخ نور الدین نورانی، شیخ بهاؤ الدین گنج بخش،
ناصر الدین بیهقی تاریخ رشیدی میرزا حیدر دوغلت در همین دوره
کشمیر می زیستند، تاریخ رشیدی میرزا حیدر دوغلت نوشته همین دووه
است. او علاوه بر بودن مورخ معتبر شاعر بوده است. رباعی زیر از طبع
زاد اوست.

يك لاله رخی كه مهر افزايد نيست
در مهرو وفا چنان كه بايد نيست
در گلشن كمشير بسي خوش گل است
آن گل كه زو بوي وفا آيد نيست

بدشاه خودش هم شاعر سلیم فطرت می بود که شعر زیر طبع زاد اوست

هزاران ناز ای کشمیر بر باغ جهان داری

که در فصل بهاران هم خوش بهار زغفران داری - ۴

بعد از حکومت پنجاه و يك سال و دو ماه و سه روز زین العابدین رحلت
گزید. بعد از رحلت زین العابدین حکومت شاه میریان رو به انحطاط
کرد حتی که چند تن از حاکمان این دودمان تا چند سال حکومت
کردند. ذکر همه اش این جا ممکن نیست.

چکان در دوره شاه میریان به ویژه در عهد سلطان زین العابدین

به کشمیر پناهنده شده بودند و در امور سلطنت دخیل شده در حکومت سلطان محمد شاه و فتح شاه به مرتبه امارت رسیدند - درباره چکان گواسی لعل کول می نویسد:

" The Chak's were unknown people: They come from country of dard's and resemble Maharathas . There lived a certain Langar Chak, who secured a job in king's service. ۵ -

در سال ۶۲ هـ چکان عنان مملکت در دست گرفتند و بنای حکومت خودشان گذاشتند - تا مدت سی و دو سالگی حکومت کردند - درباره تخت نشینی اولین پادشاه چک مورخ اعظم می نویسد -

" در تاریخ نه صد و شصت (۹۶۲) و دو علی خان برادر غازی خان تاج از سر حیب شاه بر داشته بر سر برادر خود بنهاد و پادشاهی بنام غازی مقرر شد " ۶ -

غازی خان در شلوغ بود پس به ادبیات هیچ ترویج نکرد اما آیندگان و ی مانند حسین شاه چک ، یوسف شاه و جز آن به ادبیات فارسی شغف خاصی داشتند - ملانامی از اولین شاعر دوره چک می باشد که به دربار حسین شاه پیوسته بود - شعر زیر باونسبت داده شده است -

هرگز دلم بغیر تو مائل نمی شود

وزیده نقش روی تو ذائل نمی شود

از دوریت چه باك که از بعد ظاهری

اصلاً میان ما و تو حائل نمی شود - ۷ -

یوسف شاه چک که آخرین سلطان دودمان چک بوده است - محافل شعر و سرود می آراست اما از عوامل سلطنت قدری دور بود - بنا بر این مخاصمت میان یوسف شاه و رعیت روی داد - لوهَر چک علم بغاوت بر افراشت - نامه یوسف شاه که به لوهَر چک نوشته منظوم بود و از شعر

فهمی وی سخن گوید :

چه می گوئی گرگ ابدال رنگ
به ترسانی از آب دریا نهنگ
غضنفر به صد فربر آورد سر
حذر کن در و باه بازی گذر
تو بودی کشاورز آبی من
کشاورز را کی سزد جای من
به خنجر و شمشیر ترا نیست کار
کشاورز را با دلیری چه کار ۸-

ملا احمد ، ملا عینی ، محمد امین مستغنی و جز آن را شاعران دوره
چکان می توان شمرد - مولانا احمد درباره قحط و فاقه دوره یوسف
شهی چنان آورده است -

گر نظر بر هلال میکردند
لب نانی خیال می کردند
گردن خود را دراز میکردند
دهن آز باز می کردند ۹-

شاعران و نویسندگان مانند بابا داؤد خاکی ، حبیب الله حبیب ،
شیخ یعقوب صرفی ، شیخ حمزه مخدومی ، بابا علی رینه و جز آن هم
پرورده همین دوره بودند که ذکر شان در دوره حکومت مغول خواهیم
کرد -

مغولان هند بی تردید مریدان زبان و ادبیات فارسی بوده اند -
اولین پادشاه مغول که کشمیر را مسخر کرد جلال الدین اکبر می باشد
سپاهانش در سال ۹۹۴ هجری کشمیر را زیر نگین کردند هر چند که اکبر
ناخوانده بود در ترویج زبان و ادبیات ، ثقافت و فرهنگ و شعر و ادب
دقیقه ای فرو نگذاشت و این قدر تشویق داشت که هیچ کتابی نتوان

دریافت که در دربار اکبری خوانده نشده باشد - ۱۰ قریحه و ذوق شعری
وی از اشعار زیر توان دریافت که به او نسبت داده اند -
عمرم همه در فراق و هجران بگذشت بار در دوالم
این عمر گران مایه چه ارزان بگذشت در رنج و ستم
عمر یکه بشد صرف سمر قند و هری با عیش و طرب
افسوس که در آگره ویران بگذشت با غصه و غم - ۱۱
بعد از اکبر نور الدین جهانگیر و یرسر جهاننداری متمکن شده استناداران
خود به کشمیر فرستاد - جهانگیر هم شاعر خوش بیان بوده و هم به
فرهنگ و ثقافت علاقه زیادی داشت ذوق و قریحه شعر جهانگیر را
از بدیهه گوئی وی توان دریافت - روزی جهانگیر هلال عید را دیده
چنان گفت -

هلال عید برفلك هویدا شد

نور جهان بدیهه گفت :

کلید می‌کده گم گشته بود پیدا شد - ۱۲

مغولان تا مدّ طولانی کشمیر را تحت تسلط خود داشتند اما
وقتی که اورنگ زیب عالم گیر فوت کرد سلطنت مغولان روبه انحطاط
کرد -

درین دوره شاعران و ادیبات بسیاری در سراسر هند می
زیستند - بنا بر سخن پرور و شعر شناس بودن مغولان شاعران ایرانی
الاصل به هند و کشمیر پناهنده شدند - شاعران اهالی کشمیر مانند
صرفی، حبی، غنی، فانی، داؤد خاکی، ملا ذهنی، ملامظهری، بابا نصیب
الدین غازی، عبدالرشید بینوا، لذتی کشمیری، بینش، ساطع، مشتاق هم
پرورده همین دوره اند - در ذیل چندین اشعار آن دوره را می نویسم تا
درباره شعر آن زمان را توان تفکر کرد -

صرفیا از هر دو عالم فارغم

تا شدم دیوانه و شیدای عشق
ساز جذبه دل خویش منزل عشق
به عشق کوش که خوش عالمی است عشق ۱۳
(رساله ذکریه ، صرفی ورق ۷)

چه بندی دل درین دُنیا که روزی چند مهمانی
چو ناگاه مرگ پیش آید خوری آندم پشیمانی
نیاری یاد از مردن که وقت مرگ درپیش است
چه مغروری دراین دُنیا مگر مُردن نمی دانی
(بابا نصیب الدین غازی)

جمال یار را دیدم درین گلزار می رقصم
چه باشد گل ، که از مستی سر هر خار می رقصم
خریدار غم عشقم سر سوادى او دارم
گرفته نقد بر کف بر سر بازار می رقصم
(عبدالرشید بینوا)

به بزم می پرستان سرکشی بر طاق نه زاهد
که میریزند مستان بی محابا خون مینارا
غنی روز سیاه پیر کنعان را تماشا کن
که روشن کرد نور دیده اش چشم زلیخارا
(غنی کشمیری)

کر دیم سیر گلشن تا ماویار هر دو
گشتند گل و بلبل بی اعتبار هر دو
چشم سیاه متش لعل قدح بدستش
از عاشقان ربودند صبر و قرار هر دو
(مشتاق کشمیری)

علاوه از دو اوین شاعران کتاب های تاریخی مثال واقعات

کشمیر، تاریخ کشمیر، تاریخ وقائع کشمیر، و جز آن به رشته تحریر در آورده شده است. - کتاب های متعدد بر تصوف و عرفان هم داریم که ذکر همه اش محال است. نثر نویسان مانند محمد اعظم دیده مری، شیخ محمد چشتی رادهو، کمال الدین رسوا نرائن عاجز، خواجه معین الدین نقشبندی و جز آن هم پرورده همین دوره اند.

بعد از انحطاط مغولان افغانان در سال ۱۱۶۵ هـ کشمیر را تحت تسلط خود در آوردند. افغانان سر باز آن چیره دست بودند و به شعر و ادب و علم و هنر هیچ رغبت نداشتند. اما اولین استاندار شان عبدالله خان کوچک کابلی از دست سکه جیون مل کهتری به قتل رسید. سکه جیون در سال ۱۱۶۷ هـ رایت استانداری خود در کشمیر افراشت مخفی نیست که موصوف مرئی و رعیت پرور بوده وی اولین کس می باشد که در کشمیر انجمن شعراء بنا نموده دستور داد که شاهنامه کشمیر به رشته بیاورند. سکه جیون مردی سخن سنج و شاعر بود که به علماء و فضلاء وقت مراجعت و معاونت می نمود. از اشعار زیر که بعد از قتل پسران خود و کور شدن می سرود طبع موزون وی را توان دریافت.

چشم از وضع جهان پوشیده به
سربه سر احوال آن نادیده به
هر که چون من داشت جابرفرق گل
عاقبت در خاک و خون غلطیده به
چند روزی خود تماشا کرده ام
زین چمن گلهای عبرت چیده به
گردهی شیرش دهد ز هرت عوض
زین سیاه مار جهان ترسیده به
باز اگر چشم جهان بینم دهند
چون گدایان دربدر گردیده به - ۱۴

هفت تن از شاعران نامدار آنزمان که برای نوشتن شاه نامه کشمیر مقرر ساخته بودند از آنجمله عبدالوهاب شائق، مولوی محمد توفیق محمد جان بیگ سامی، ملا راجع، رحمت باندج نوید، محمد علی خان متین و محمد رفیع مانجی می باشند. علاوه ازین شاعران مانند محمد اشرف یکتا، بلبل دائری، مولوی عطا الله همّا، محتشم خان فدا، اسد الله شگون و جز آن هم پرورده همین دوره اند. در زیر چند تا اشعار شاعران دوره افغانه می آورم تا وضع ادبی دوره افغان آشکارا گردد.

سامی از راه حیا بیرون در افتاده است

باز گردد یا در آید چیست فرمان شما

(سامی)

اعتماد هستی موهومه کردن ابلهی است

چون گذارد کس قدم بالای ظل پل در آب

(شائق)

گر کدورت زده ام عیب مکن کز غم دهر

آنقدر وقت نیابم که بخود پردازم

گر خطا کاری ورنند و بد کارم توفیق

بر خطا پوشی و الطاف الهی نازم

(توفیق)

بعد از انحطاط افغانان سنگهان کشمیر را مسخر کردند مانند افغانان آنها هم دیگر ظالم بودند. به علم و ادب، شعر و هنر و ثقافت و فرهنگ هیچ رغبت نداشتند. اما شاعران مانند ملا حمید الله شاه آبادی، سعد الله شاه آبادی، عطا الله خانقاهی، ملا بهاؤالدین متو، عبدالوهاب نوری، عبدالوهاب همت و نثر نویسان مانند پندت نرائن کول عاجز، پندت ٹیکا رام آخون، مصنف بهارستان شاهی و جز آن در

همین دوره می زیستند۔ ہر کمال را زوال است دو گران ہم بر تخت
شاهی کشمیر نشینند۔ مورخان معتبر مانند پیر غلام حسن کھویہامی، محی
الدین مسکن سرائی بلی، خلیل مرجان پوری و جز آن نثر نویسندگان معتبر
این دورہ ہستند۔ ذکر ہمہ این ہا باعث طوالت این مقالہ خواہد شد۔

خواشی و منابع:

- ۱۔
- ۲۔ واقعات کشمیر، محمد اعظم دیدہ مری، ص ۵۱ چاپ سنگی
سرینگر
- ۳۔ همان مآخذ ص ۵۱
- ۴۔ عکس کشمیر۔ ڈاکٹر صابر آفاقی، ص ۲۲
- ۵۔ A historical survey of Kashmir- P-51
- ۶۔ واقعات کشمیر۔ ص ۸۹
- ۷۔ تاریخ حسن۔ ج ۴۔ غلام حسن کھویہامی۔ ص ۳ محکمہ تحقیق
واشاعت جموں و کشمیر
- ۸۔ همان ج ۲، ص ۳۱۱
- ۹۔ همان ص ۳۲۳
- ۱۰۔ شعر العجم علامہ شبلی، ج ۳، ص ۴۔ شبلی اکیڈمی
اعظم گڈھ
- ۱۱۔ بزم تیموریہ، ج ۱، سید صباح الدین عبدالرحمن۔
ص ۹۹، اعظم گڈھ
- ۱۲۔ شاہان شاعر، ابوالقاسم حالت، ص ۲۹۵
- ۱۳۔ رسالہ ذکر یہ، خطی، یعقوب صرفی۔ ورق ۷
- ۱۴۔ نگارستان کشمیر، ابوالحسن انصاری، ص ۲۲۳